

دینداری خوب

صدا، قطبی



انتشارات آریش

۱۳۹۸

سرشناسه:	قطبی راد، سید محمد صدیق، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور:	دینداری خوب، صدیق قطبی
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات اریش، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری:	۲۳۴ ص [۲۰۰ ص]، ۱۴/۵×۲۱/۵ س
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۴۶-۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
موضوع:	اخلاق اسلامی
موضوع:	Islamic Ethics
موضوع:	دینداری
موضوع:	Religiousness
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۷ ق ۲۴۷/۸/۹۵۶۴ BP
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷/۶۱
شماره کتابشناسی ملی:	۵۵۶۴۲۴۵



دینداری خوب

صدیق قطبی

طرح جلد: میثم خاوری

ویراستار: زهرا تقی‌زاده

صفحه‌آرا: امید مقدس

چاپ و صحافی: قشقایی

چاپ نخست: ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۴۶-۰۰۰

بها: ۴۰ هزار تومان

تهران - انتشارات اریش

شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۹۰۳۸۱۳

info@arishpub.ir

www.arishpub.ir

کلیه حقوق این کتاب برای انتشارات اریش محفوظ است.

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه
۱۳.....	دینداری خوب
۱۵.....	سارک دینی زنبور غسل
۱۹.....	خدمت به خداوند
۲۷.....	رسمفکری دینی چه می گوید؟
۳۷.....	ابوسعید الخدری به نگاهی به اسلام دارد؟
۴۱.....	کفر حقیقی، اسلام سبازی
۴۵.....	خراب اعتقاد
۴۷.....	انسان برای دین یا دین برای انسان؟
۴۹.....	به دین پیرزنان درآید!
۵۳.....	خدا، دلبستگی فرجامین
۵۷.....	اقامه دین
۶۱.....	مجد دین
۶۳.....	سه ضلع ایمان
۶۷.....	دعا، روح دینداری
۷۳.....	دین پرستی، پیمانہ پرستی است
۷۷.....	چرا خشونت پرهیزی؟ (نگاهی درون دینی)
۹۵.....	انیا در پی مداوای چه دردی بودند؟
۹۹.....	مشارکت با پیامبر
۱۰۳.....	چهار تعلیم جلیل پیامبر
۱۰۷.....	هموم و هم واحد
۱۰۹.....	دلی چون پرندہ

- دینداران مفلس! ۱۱۱
- از جمال محمد ۱۱۵
- آنچه پیامبر از خدا می خواست ۱۱۹
- به وقت خواب و به وقت بیداری ۱۲۹
- قلب مرا لمس کن! ۱۳۱
- رمایه امید ۱۳۳
- از نجوهای مؤمنانه ۱۳۵
- شمس ای از انج البلاغه ۱۴۳
- آنکه با حق نویسد تعلیم داد ۱۴۵
- از اخلاقی نه نداریم ۱۴۹
- آیا عشق به خدا کفایت می کند؟ ۱۵۵
- رهنمودهای ارتباطی: روش اسلام ۱۷۱
- بازخوانی نقد ابوالحسن ندوی ۱۸۹

مقدمه .

پست دین؟ برخاستن از روی خاک
تاز خود آگاه گردد جان پاک
دین سبب سوختن اندر طلب
انسان را به عشق و آغازش ادب

(اقبال لاهوری، جاویدنامه)

در تلقی مولانا دین، طریقت دارد. خودش هدف و غایت نیست، بلکه
یاور ماست تا به اقلیم عشق سفر کنیم. کج بودن دین این است که به ما
هنر عشق بیاموزد و درون ما را آکنده از جذبه و تشنگی کند تا قابلیت نور
خدا را پیدا کنیم:

کسب دین عشق است و جذب اندرون
قابلیت نور حق را ای حرون

(مثنوی/دفتر دوم)[حرون: نافرمان]

در نظر مولانا عشق برتر از کفر و ایمان است، چرا که همان بارگاه بلندی است که بناست دین ما را به آستان آن برساند. دین و ایمان دربان آستان عشقند و عشق، مغز و گوهر دین است:

زان که عاشق در دم نقد است مست
لاجرم از کفر و ایمان برتر است
کفر و ایمان هر دو خود دربان اوست
کار است مغز و کفر و دین او راست پوست

(مثنوی/دفتر چهارم)

دینداری خوب آن است که در رهات را کوتاه‌تر و کمتر کند و پنجره‌هایت را بزرگ‌تر و بیشتر.

با مولانا همدلم که «اصل دین اینست، بند روزن کردن است» و با سهراب عزیز هم‌نظم که باید «با تمام افق‌های بره نسبت داشت».

از این رو، باور دارم باید در همه ادیان و مذاهب سراغ از روزنه‌ها گرفت و هرگز اجازه نداد نوع دینداری ما، سبب محرومانت ما از پنجره‌ای شود. همه پنجره‌ها عزیزند و بهترین دینداری آن است که شوق دریچه‌جویی را در ما تقویت کند.

وقتی سراغ دین می‌رویم به قصد کشف و گشایش دریچه‌های تازه برویم و نه بستن و قفل کردن پنجره‌های دیگر. خیلی‌ها از دین، دیوار می‌سازند؛ اما چه بهتر است که از دین، دریچه بسازیم. بستگی به خواست شما دارد.

مَر رَسَن را نیست جُرمی ای عنود
چون تو را سودای سر بالا نبود

(مثنوی/دفتر سوم)

اگر دین را به مثابه روزنه ببینیم، خودمان را از روزنه‌های دیگری همچون هنر و فلسفه مستغنی نخواهیم دید.

فلسفه دست‌هایت را از جزمیت‌های یقین‌نما خالی می‌کند. هنر و ادب دست‌های خالی شده‌ات را پُر می‌کنند.

فلسفه به تو خواهد آموخت که زیر پای عقایدت آن‌قدر قرص و محکم نیست، که این‌ها پرحمیت و ملتهب، روزگارت را به دفاع از آنها سپری می‌کنی. فلسفه به تو می‌آموزد که خود را با باورهایت هم‌هویت نکنی. به باورهایت گره نزنی. به جان آنکه نگران از دست رفتن عقایدت باشی، بیایی که مبادا در جست‌وجوی حقیقت، از انصاف و بی‌طرفی و راستی غفلت کنی. به سیر درست و ره‌یوش بیندیشی و نه نگهبانی از مقصدی که اکنون توست.

شانه‌هایت که از بار عقاید مقطوع ره‌یافتند، هنر و ادبیات نگاهت را شست‌وشو می‌دهد و زندگی را هر بار به شیوه تازه در چشمان تو خواهد آراست. درمی‌یابی که یکی از امتیازات تو بر دیگران آن است که می‌توانی جهانی بیافرینی که نیست و زیبایی را با جادوی خیال و هم‌پشتی احساس، در درون و بیرون خویش، انتشار دهی. فلسفه که سبک‌بارت کرد، هنر، پروازت می‌دهد.

گفت که با بال و پری من پر و بال ندهم
در هوس بال و پرش، بی‌پر و پرکنده شدم

(مولانا)

آغشته به فلسفه و هنر که شدی، اگر دیندار بمائی، دینداریات به جهت ورزده‌های فلسفی تو، تا حدّ ممکن خردمندانه، خرافه‌گریز و تجربه‌گرا خواهد بود، و از جهت هنردوستی و زیبایی‌جویی‌ات، تا حدّ ممکن جمال‌شناسانه، عُرفایی و آمیخته با آشتی و دوستی؛ و مجموعاً دینداری برای تو می‌شود رهیافتی معنابخش، به‌منظور تجربه ابعاد دیگری از هستی. بالا رفتن؛ یا اگر نه، پهنا گرفتن.

فلسفه را هم در تورا، تا جای ممکن، خردمندانه، انسان‌مدار و زیباآیین خواهند کرد. فلسفه و هنر پاد هر هراس فرهنگی بنیادگرایی و خشونت‌گستری دینی هستند.